

## کلام منتقی الاصول:

منتقی الاصول ابتدا بر تقریب مرحوم آخوند اشکال کرده و می نویسد:

«و لا یخفی ان ما ذکره (قدس سره) مجرد دعوی نیست لها صورة دلیل و برهان، و لم یذكر لها تقریب و توجیه، و ذلك لا یکنفی فی إثبات المطلوب، بل یمكن الإیراد فیہ: بان الاخبار بالوقوع لا یكشف إلا عن إرادة الوقوع باعتبار المناسبة بینهما، اما كون الإرادة بنحو خاص بحيث لا یرضی بتركه فلا دلالة للجمله علی ذلك.»<sup>۱</sup>

ایشان سپس به تقریبی فلسفی اشاره کرده و آن را رد می کند:

«و قد قرّب ظهور الصیغة فی الوجوب بتقریب دقیق حاصله: انه قد تقرر فی علم الفلسفة أن الشیء ما لم یجب لم یوجد، بمعنی: انه ما لم توجد علته التامة المقتضية لضرورة وجوده- لعدم انفکاک المعلول عن العلة- لا یوجد الشیء فإذا أخبر بوجود الشیء و تحققه كان ذلك کاشفا عن ضرورة وجوده و لا بدیته، و المناسب لذلك فی مقام الطلب هو الوجوب التشریعی و الطلب الإلزامی، فیدل الإخبار علی الوجوب بالملازمة.»

و أنت خبیر بأن ما اعتمد علیه فی إثبات دلالة الصیغة علی الوجوب من القاعدة المحررة، و هی ان الشیء ما لم یجب لم یوجد، نیست أمرا عرفیا واضحا، بل هو أمر دقیق لا یدرکه کل أحد بالإدراک البدوی، فلا یمكن دعوی الظهور العرفی للفظ استنادا إلى ذلك.»<sup>۲</sup>

توضیح :

۱. در فلسفه آورده اند که شیء تا واجب نشود، موجود نمی شود یعنی تا وقتی علت تامه اش که بالضروره اقتضای وجود آن را دارد، حاصل نشود، موجود نمی شود.
۲. حال: اگر متکلم خبر از وقوع شیء می دهد، در حقیقت خبر می دهد از اینکه علت تامه اش حاصل است و وجودش ضرورت یافته است.
۳. و چنین معنایی با طلب الزامی تناسب دارد. پس «جملات خبریه در مقام انشاء» بالملازمه ظهور در وجوب دارد.
۴. اما این کلام باطل است چراکه اتکا به قاعده فلسفه برای یک امر عرفی که اذهان عادی آن را نمی فهمند، غلط است و لذا نمی توان گفت که چنین قاعده ای ظهور عرفی را پدید می آورد.

۱. منتقی الأصول؛ ج ۱؛ ص ۴۰۸

۲. منتقی الأصول؛ ج ۱؛ ص ۴۰۹



منتقى الاصول سپس به مبنای خویش اشاره کرده و می نویسد:

«فالأولى فى تقريب ظهور الصيغة فى الوجوب ان يقال: ان وقوع الفعل خارجا من المنقاد يلزم الوجوب و الطلب الحتمى، فان الطلب غير الحتمى لا يستلزم وقوع الفعل خارجا من المنقاد، إذ يمكن ان يفعل و يمكن ان لا يفعل، لأن عدم الفعل لا ينافى الانتقاد لعدم الإلزام. فالإلزام و الوجوب مستلزم و علة لوقوع الفعل، و عليه فالوجوب ملزوم و وقوع الفعل لازم، فيكون اللفظ مستعملا فى اللزوم و يدل على الملزوم بالدلالة الالتزامية. فظهور الصيغة الخبرية الواقعة فى مقام البعث فى الوجوب بنحو الالتزام و الدلالة الالتزامية، لملازمة الوقوع للإرادة الحتمية.»<sup>۱</sup>

توضیح :

۱. جملات خبریه ظاهر در وجوب است چراکه:
  ۲. آدمی که منقاد است (و اطاعت می کند) اگر فعل را در خارج واقع کرد این کار ملازم با آن است که بگوییم مولى طلب وجوبی داشته است چراکه:
  ۳. طلب غیر حتمی مستلزم وقوع خارجی نیست چراکه ممکن است حاصل شود و ممکن است حاصل نشود.
  ۴. پس اگر فعلی واقع شد حتماً علت آن وجوب فعل است. پس ملازمه بین وجوب و وقوع حاصل است.
- ما می گوئیم :

تمام استدلال ایشان آن است که اگر وقوع فعل اتفاق افتاد علت منحصره اش وجوب فعل است. در حالیکه چنین انحصاری در کار نیست بلکه طلب استجابی هم می تواند علت باشد پس ملازمه انحصاری بین وجوب و وقوع برقرار نیست.

اللهم الا أن يقال:

از طرفی جمله خبریه به معنای وقوع حتمی است و از طرفی وقوع حتمی در جایی است که طلب حتمی باشد و الا اگر طلب استجابی باشد وقوع حتمی نیست. پس جمله های خبریه در مقام انشاء تناسب با وجوب دارد.

